

عوامل مرتبط با رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت

دکتر سمیه سادات شفیعی*

دکتر طاهره قادری**

تاریخ دریافت: ۸۶/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۹/۵/۱۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

این مقاله در پی آن است تا با توجه به نقش اوقات فراغت در سلامتی و افزایش بهره‌وری از یک سو و جایگاه زنان در حوزه خصوصی و عمومی جامعه ایران معاصر، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که میزان اوقات فراغت زنان چقدر است؟ و چه عواملی با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد؟ متغیرهای مستقل شامل متغیرهای پایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان، قدرت

* دکتری جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه علامه طباطبائی.

** اسنادپار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

تصمیم‌گیری شوهران در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان، میزان مشارکت مردان در انجام کار خانگی و داشتن فرزندان خردسال بوده و روش تحقیق پیمایشی است. اطلاعات مورد نیاز از طریق ۱۱۷ نفر از زنان شاغل (کارکنان و اساتید) دانشگاه علامه طباطبائی جمع‌آوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که میزان رضامندی زنان با توجه به شاخص‌های این پژوهش متوسط است. نتایج حاصل از در ارتباط گذاشتن داشتن فرزندان خردسال با میزان رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت حاکی از وجود رابطه معنی‌دار بین این دو متغیر است. میزان مشارکت مردان در انجام کار خانگی و همچنین قدرت تصمیم‌گیری آنان نیز با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت رابطه ندارد. اما رابطه بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی زنان با رضامندی آنها از گذران اوقات فراغت در سطح معنی‌داری تأیید می‌شود.

در مجموع به نظر می‌رسد که دست‌کم در چارچوب معیارهای پژوهش حاضر رابطه معنی‌داری میان عوامل غیر مادی موجود در عرصه زندگی خصوصی زنان از یکسو و عوامل اقتصادی - اجتماعی از سوی دیگر با گذران اوقات فراغت زنان (چه از لحاظ میزان اوقات فراغت، میزان پرداختن زنان به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت و رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت) وجود دارد. بر این اساس بهبود و ارتقاء فراغت زنان همواره دستخوش عوامل محسوس و نامحسوس انکارناپذیری است و در نتیجه بیشتر از اختصاص درآمد و امکانات، نیازمند بسترسازی فرهنگی خاص خود است.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت، رضامندی از گذران فراغت، پدرسالاری،

تقسیم کار خانگی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی

مقدمه

همه ما ساعات خسته‌کننده و طولانی کار را به امید اوقات فراغت سپری می‌کنیم. این مهم خصوصاً در کارهای دستمزدی چهره واقعی خود را نشان می‌دهد.

چراکه اساساً اوقات فراغت به معنای اوقات فراغت از کار و به نوعی زمان راحتی از دل مشغولی‌هاست. روزهای تعطیل آخر هفته روزهایی به یاد ماندنی است که دست کم شاغلین سراسر جهان انتظار رسیدن آن را دارند. چگونگی گذران اوقات فراغت از دیرباز مورد توجه بشر بوده است. انواع بازی‌ها و سرگرمی‌ها که ریشه در فرهنگ و آداب و رسوم هر قومی دارند، بیانگر توجه و برنامه ریزی گذشتگان در گذران اوقات فراغت است. امروزه در جهان میلیاردها دلار صرف راه‌اندازی پروژه‌های تفریحی، امکانات ورزشی و سرگرمی‌های گوناگون می‌شود. وجود آگهی‌های تبلیغاتی نشریات، اینترنت و تراکت‌های خیابانی با حجم عظیمی از اطلاعات مربوط به چگونگی گذران اوقات فراغت علاوه بر آنکه از نیاز بشر به تفریح و گذران اوقات فراغت سرچشمه می‌گیرد، نشان از اهمیت این موضوع در نزد همگان، گردش مالی و در عین حال گویای حجم قابل ملاحظه‌ای از تبادلات تجاری است. همچنین صنعت توریسم که از صنایع حیاتی بسیاری از کشورها محسوب می‌شود رونق خود را مدیون اوقات فراغت به خصوص جشنواره‌های باشکوه ملی و فرهنگی است.

تفریح و سرگرمی و پرکردن اوقات فراغت به نحو مطلوب^۱ مسئله‌ای جهانی است که در بررسی آن تنها نباید به جوانان و نیازهای آنان پرداخت. بسیاری به غلط بر این باورند که نوجوانی و جوانی مرحله تفریح و سرگرمی است و از این رو از نحوه گذران اوقات فراغت سایر گروه‌های سنی، به طور مثال متاهلینی که مسئولیت‌های متعددی به عهده داشته و در نتیجه نیازمند تفریحات لازم برای جبران خستگی هستند، غافل می‌مانند. در حالیکه تفریح در زندگی اغلب پدر و مادرها که تحت فشارهای ناشی از وظایف شغلی و فشارهای روحی ناشی از مسئولیت‌های سنگینی چون پدری و مادری هستند، نقش حساس و مهمی دارد. علاوه بر گروه‌های سنی، تفاوت روحیات زنان و مردان باعث تفاوت الگوهای زندگی آنان است که

۱- لغت recreation در فارسی با واژه تفریح معادل سازی شده است. (بريجانپان، ۱۳۷۳، ۷۴۷) (جعفری، ۱۳۷۸، ۱۰۱۷)

و واژه Leisure به فراغت ترجمه شده است. (بريجانپان، ۱۳۷۳، ۷۴۸) (جعفری، ۱۳۷۸، ۷۶۹)

مشخصاً چگونگی گذران اوقات فراغت هم از این موضوع تأثیر می‌پذیرد. بر این اساس در این مقاله بر موضوع گذران اوقات فراغت زنان بعنوان موضوع پژوهش متمرکز می‌شویم.

طرح مساله

زنان به عنوان نیمی از جمعیت ایران دارای نیازها و علایق خاص خود هستند. هر چند تاکنون به اوقات فراغت آنها و نحوه گذران آن به طور اختصاصی پرداخته نشده^۱ (که عدم احساس ضرورت می‌تواند دلیلی برای این امر باشد)، اما به دلیل وجود شرایط فرهنگی، اقتصادی و غیره، پرداختن به اوقات فراغت برای زنان ایرانی شرایط موانع خاص خود را دارد. چراکه زنان به اعتراف محققان و صاحب‌نظران، سنگ بنای جامعه و در حقیقت ستون هر خانواده هستند. آنان با احراز نقش مادری مسئولیت‌های خطیری را به عهده می‌گیرند که در نوع خود در هر خانواده مهم و اساسی است. در اندیشه غربی نیز به موضوع نقش محوری زن، هر چند از زاویه‌ای متفاوت نگریسته شده است. در بررسی‌های انجام یافته از سوی فمینیست‌ها بویژه فمینیست‌های مارکسیست، اتفاق نظر وجود دارد که زنان در خانواده علاوه بر فرزندآوری و فرزند پروری با مراقبت و نگهداری خود از اعضای خانواده، علاوه بر تولید نیروی کار به بازتولید آن همت می‌گمارند (فریدمن، ۱۳۸۱: ۸۶-۸۳). در همین زمینه نگاهی به آموزه‌های اسلامی که در جان ایرانیان آمیخته، گویای اهمیت نقش مقدس مادری و

۲- نگاهی به پایان‌نامه‌های موجود در مورد چگونگی گذران اوقات فراغت مانند پایان‌نامه علیرضا برازنده، محمد زاهدی اصل، محمود حیدری، نظرعلی صالحی و... گویای عدم وجود یک نگرش جنسیتی به مساله گذران اوقات فراغت و بعضاً نادیده گرفتن چگونگی گذران اوقات فراغت زنان است

۳- اعتقاد عمومی به این جمله از امام خمینی (قدس ره): مرد از دامن زن به معراج می‌رود و تأثیر آن بر اذهان

همسری است^۱، اما باید بدانیم که مراد از گذران اوقات فراغت، وقت گذرانی پوچ و بیهوده نیست بلکه تفریحی سودمند و منشأ اثر است که موجب رضامندی فرد شود. چنین فعالیت تفریحی، با میل و رغبت فرد همراه است و در حقیقت از اشتیاق و طلب فرد سرچشمه می‌گیرد. (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۷) تفریح و گذران اوقات فراغت به نحوی که سبب رضامندی فرد باشد، علاوه بر بالا بردن آستانه تحمل فرد به او فرصت تفکر درباره آنچه گذشته و آنچه در پیش رو دارد را می‌دهد و از این لحاظ باعث تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق همراه با تامل است. «اوقات فراغت بستر مناسبی است برای جریان نیکوی رشد شخصیت و اعتلای وجود و یا زمینه همواری است برای بروز اختلالات رفتاری، انحرافات اخلاقی و بزهکاری‌های اجتماعی. امروزه به علت اهمیت و آثار سازنده و مثبتی که در نتیجه بهره‌وری مطلوب از اوقات فراغت در زمینه‌های مختلف (بهداشت روانی، خلاقیت و نوآوری، توسعه مهارت‌های شناختی و شکوفایی استعدادها، تقویت مهارت‌های حسی و حرکتی، اصلاح رفتار و تعالی شخصیت) می‌توان داشت، اوقات فراغت و راههای بهره‌وری مطلوب از آن مورد توجه خاص صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران نظام تعلیم و تربیت و مسئولان و برنامه‌ریزان امور فرهنگی قرار گرفته است» (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵) این امر خصوصاً در زندگی شاغلین جایگاه ویژه‌ای دارد: «فشارهای ناشی از اشتغال ممتد ذهنی و جسمی، نه تنها ممکن است با از دست دادن نشاط و تعادل حیاتی فرد همراه باشد، بلکه در مواقعی عامل مهم در بروز بسیاری از اختلالات روانی و نارسایی‌های جسمی می‌باشد. پس در این شرایط برخورداری از یک برنامه جامع و پیش‌بینی فرصتی آزاد و فارغ از کار موظف و بهره‌وری از آن، اولین و مهمترین گام در پیشگیری از آسیب‌های جسمی

۱- اعتقاد عمومی مسلمان به مقام مادر که منبعث از احادیث مربوطه است از جمله حدیث پیامبر اکرم: بهشت زیر پای مادران است. همچنین تأکید رسول خدا بر اولویت خدمت به مادر در مواجهه با جوانی که بر آن بود تا به کسی

و ذهنی و حفظ بهداشت روانی بوده و فقدان آن باعث افزایش اضطراب و فشار روانی گردیده، زمینه اختلال در قوای حسی و ادراکی را فراهم کرده و فرد در تفکر مولد و خلاق با مشکل جدی مواجه می‌شود» (همان: ۸).

از این رو تفریح فرحبخش - همان فعالیت‌های تفریحی که زنان تمایل دارند بدان بپردازند- علاوه بر تجدید روحیه برای زنان موجب افزایش کیفیت خدمات آنها در خانواده و در جامعه - در مناصب شغلی گوناگون - شده، و برای زنان امری ضروری محسوب می‌شود. در حقیقت اینجا ما با گذران اوقات فراغت بعنوان یک فعالیت بشری سروکار داریم. فعالیتی که اهمیت آن برای زنان شاغل به ویژه در نقش‌های مادری و همسری و با عهده داری کارخانگی قابل ملاحظه است^۱. تلاقی مسئولیت‌های داخل و خارج خانه برای زنان متأهل شاغل شرایط خاصی را ایجاد می‌کند که بر چگونگی گذران اوقات فراغت آنان و رضامندی از آن تأثیر دارد. در حوزه خانواده تفریح و گذراندن اوقات فراغت آنچنانکه موجب رضامندی زنان شود، به آنها اجازه می‌دهد همواره با روحیه‌ای خستگی ناپذیر با مشکلات روبرو شده، پشتوانه فکری و روحی برای همسر و فرزندان خود باشند. در محیط کار تفریح روحیه زنان را تقویت کرده، به تخلیه فشارهای ناشی از کار کمک می‌کند و علاوه بر بالا بردن راندمان کاری زنان در سطوح گوناگون، به بهبود وضع اقتصادی، معیشتی زنان و در نتیجه خانواده کمک می‌کند و شاید اینگونه راه توسعه هموارتر شود. به یقین همه اعضای خانواده از دیدن همسر یا مادری خسته و افسرده ناراحت می‌شوند و بی شک همگان از به تأخیر افتادن کارها در حوزه اجتماعی به دلیل بی حوصلگی و خستگی متضرر خواهند شد. چنانچه مطالعات و بحث‌های انجام یافته نشان می‌دهد فقدان اوقات فراغت از موضوعات

۵- یافته‌ها از عهده داری تنها ۱۰٪ تا ۱۵٪ کارهای خانگی از سوی مردان سخن می‌گویند. (شرق: ۸۳/۱/۲۱)

مبتلابه زنان در عرصه دانشگاهی نیز هست که از تغییرات اجتماعی، ناپسامانی ساختاری و شکاف جنسیتی ریشه می‌گیرد.^۱

با توجه به اهمیت فراغت برای زنان متأهل و بویژه شاغل سوال این است که زنان به چه میزان فراغت دارند؟ چقدر از گذران اوقات فراغت خود رضامند هستند؟ و این رضامندی آنان با چه عواملی مرتبط است؟ بر این اساس هدف از این تحقیق شناخت رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن می‌باشد.

بررسی پیشینه نظری و پژوهشی

به لحاظ تاریخی ظهور انقلاب صنعتی باعث تخصیص ساعات معین به کار دستمزدی و در نتیجه لزوم وجود اوقات فراغت و برنامه‌های تفریحی برای گذران آن

۱- در کنگره زن، دانشگاه، فردای بهتر که در اسفند ماه ۱۳۷۷ برگزار شد، موضوع مسائل و مشکلات زنان پژوهشگر و دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته، در گزارش این کنگره به چاپ رسید، می‌خوانیم: «دگرگونی اجتماعی در قالب تحولات اقتصادی و فرهنگی ناشی از روند صنعتی شدن و به ویژه وقوع انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس و دوره نوسازی با افزایش نرخ جذب دانشجوی زن در دانشگاه و حوزه‌های شغلی و تخصصی همراه بود، ولی اینگونه مشارکت در عرصه عمومی و به ویژه حوزه‌های تخصصی و اشتغال به موازات تغییر ارزش‌های سنتی بازدارنده از رشد زنان و تبدیل آن به ارزش‌های مدرن صورت نگرفته و به نظر می‌رسد تفکر سنتی مبتنی بر پدرسالاری یا مردسالاری و تعکیک نقش بر حسب جنسیت بازسازی شده است. تبعات آن در قالب مقاومت مردان، عدم همکاری، کارشکنی و اعتراض به کاهش خدمات زنان در امور خانه و بچه داری بروز کرده و احتمالاً در سطح کلان تر با افزایش نرخ طلاق، اختلاف‌ها و مشاجره‌های خانوادگی جلوه گر می‌شود. در خانواده‌های دوگانه شغلی که مرد و زن در آن از درجه بالای تخصص برخوردارند، پذیرش مسئولیت‌ها به ویژه در امور خانگی، در سطوحی مشابه صورت نمی‌گیرد. از این رو تغییر نگرش‌های مبتنی بر مرد سالاری و تولید و القا فرهنگ حول محور اسلام از سوی منابع کلان تولید فرهنگ در عرصه‌های خصوصی و عمومی، ترغیب مردان به همکاری و مشارکت در انجام امور خانه و آموزش از طریق رسانه‌های جمعی برای آنکه وقت بیشتری در اختیار زنان در رسیدگی به امور خانه و تربیت فرزندان قرار دهند، از راه کارهای رویارویی با مشکلات زنان شاغل است» (زن، دانشگاه، فردای بهتر، ۱۳۷۹ - ۱۵۰ - ۱۴۸).

شد. در حقیقت فراغت و پرداختن به آن به عنوان یک حوزه مطالعاتی، حاصل اهمیت مقررات و قوانین کار دستمزدی است. چنین مقررات و قوانینی، زندگی بشر را دگرگون ساخت، بطوریکه دیگر او در اختصاص زمان به کار دستمزدی مختار نبوده و باید طبق برنامه کاری خواسته شده زمان خود را توزیع کند. اما ظهور صنعت فوایدی هم داشته؛ از جمله آنکه با ارائه فنون جدید، امکانات تفریح در اختیار همگان قرار گرفته و از انحصار طبقات مرفه خارج شده و علاوه بر آن با تسهیل روند زندگی، میزان اوقات فراغت را افزایش داده است.

اوقات فراغت همچون مایه امید و ادامه حیات بشر در زندگی‌های پر مسئولیت کنونی، با رضایت خاطر حاصل از خود طعم پایداری را در کام بشر می‌نشانند و او را مهبای دشواری‌های آتی می‌سازد. کاپلان^۱ تصریح می‌کند که رضایت از پرداختن به فعالیت‌های تفریحی تنها زمانی ایجاد می‌شود که فرد از قدرت انتخاب برخوردار باشد. او با تحلیل خود که در آن توجه خاصی به رضایت درونی فرد در کنار قدرت انتخاب و آزادی او شده، به جامعه شناسی اوقات فراغت جهت تازه‌ای بخشید؛ جامعه شناسی‌ای که در آن نوعی ارضای ذهنی اهمیت داشت (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۷). به بیان دیگر فعالیت تفریحی که بنا به میل فرد انتخاب شود سبب رضامندی او گشته، کارکردهای خاص خود را چون تأمین استراحت، کاهش کسالت و رشد شخصیت، تقویت مهارت‌های حسی، حرکتی و شناختی، امکان رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها که به اصلاح رفتار، تعالی شخصیت و رشد و توسعه فرهنگی منجر می‌شود را نمایان خواهد کرد. از این روست که باید به کسب لذت، فرحبخشی و رضامندی فرد از گذران اوقات فراغت به آن شکل که مورد علاقه و دلخواه اوست، توجه بسیار کرد. این رضامندی علاوه بر آنکه سبب ایجاد پتانسیل مثبت گشته، زمینه ساز دفع ناآرامی‌های روحی روانی بوده، آرامشی را برای فرد به ارمغان می‌آورد که او را برای پنجه درافکندن با زندگی سخت و پرداختن به فعالیت‌های روزانه مهیا می‌سازد. در نتیجه هر

چند این تحقیق به میزان اوقات فراغت توجه دارد، اما صرفاً پرداختن به اوقات فراغت را موضوع ارزشمندی برای پژوهش نمی‌داند، بلکه این رضامندی از گذران اوقات فراغت است که برای محقق حائز اهمیت شناخته شده، به عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در حیطه اوقات فراغت زنان، باید گفت تا همین اواخر زنان در حوزه جامعه شناسی فراغت مانند سایر حوزه‌های جامعه‌شناسی جای نداشتند. گرین^۱ (۱۹۹۰) معتقد است که در آثار افرادی چون پارکر^۲ اوقات فراغت و کار کارگران مرد سفیدپوست بعنوان اولین نمونه‌های مطالعاتی، تحقیقاتی مورد توجه قرار گرفت. پارکر در اثر خود (۱۹۷۶) تمایزات تفریحی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان و مردان را ناشی از نقش متمایز آنها می‌داند. همچنین او اذعان دارد که اوقات فراغت زنان نسبت به مردان کمتر و طیف فعالیت‌های تفریحی آنان نیز محدودتر است. زیرا زنان کمتر از مردان به ورزش می‌پردازند. در بررسی سایر تحلیل‌ها، تحلیل مارکسیستی معاصر از روابط دستمزدی عاری از هرگونه نگاه جنسیتی است. از خصایص تحقیقات دهه ۷۰ نادیده گرفتن خانواده بعنوان نهاد تولیدی و بازتولید نابرابری‌های طبقاتی، نژادی و جنسیتی است که نتیجه آن اغماض در بیان تفاوت اوقات فراغت دو جنس است.

ظهور فمینیست‌ها و اعمال رویکرد آنان در حوزه‌های شناختی متفاوت، سبب بهره‌مندی حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت زنان شد و نشان داد که نه تنها اوقات فراغت دو جنس متفاوت است، بلکه اشکال پرداختن به فعالیت‌های تفریحی زنان با مردان هم تفاوت دارد. چنین مطالعاتی با الهام از تجربیات روزمره زنان، جامعه‌شناسی مردم‌محور را به چالش طلبیده است. آثار بعدی جامعه‌شناسی ورزش زنان را نیز مورد بررسی قرار داد.

از جمله تأثیرات دیگر این جریان این بود که هر چند طبقه اجتماعی دارای تأثیرات انکارناپذیری بر دسترسی به فعالیت‌های تفریحی است، اما فمینیست‌ها نابرابری‌های جنسیتی و نژادی را نیز مهم نشان دادند. از دید آنان علاوه بر مطالعه پایگاه اجتماعی زنان، باید نقش فرعی زنان در حوزه عمومی و خصوصی را به ویژه از لحاظ تقسیم جنسیتی کار مد نظر داشته و روابط پدرسالاری را که منشاء اتخاذ چنین نقشی است را مورد بررسی قرار داد. نکات برگرفته از مجموعه‌های نظری، تجربی گردآوری شده پیرامون اوقات فراغت زنان بدین شرح است:

میزان و اوقات فراغت زنان با مردان تفاوت بسیاری دارد (گرین، ۱۹۹۰: ۱۱۴)، (پارکر، ۱۹۷۶: ۸۸) (ویمبوش^۱، ۱۹۸۶: ۱۲). شاید بزرگترین نقد حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت، همسان‌پنداری زنان و مردان در این خصوص است (گرین، ۱۹۹۰: ۱۱)، (هال^۲، ۱۹۷۸: ۱۹۸۱؛ هارگریوز^۳، ۱۹۸۲). بنا به گفته رجک^۴ زنان کم و بیش در خصوص اوقات فراغت، چگونگی گذران آن و میزان آن از تجربه مشترکی برخوردارند (رجک، ۱۹۹۵: ۳۱). بنابراین ویژگی‌های چگونگی گذران اوقات فراغت زنان، ویژگی‌های عامی است که منحصر به زنان غربی نمی‌باشد. خصوصاً آنکه مطالعات تاریخی در بخش تاریخچه اوقات فراغت زنان در ایران بر بسیاری از یافته‌های مربوط به دهه‌های اخیر کشورهای غربی منطبق است. از جمله خصایص فراغت زنان به تصریح رجک، هارگریوز و گرین در بیشتر موارد محدود به خانه است (گرین، ۱۹۹۰: ۲۵-۲۴)، (رجک، ۱۹۹۵: ۳۱)، (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۶). گرین در تحقیق شفیلد دریافت که تصور زنان از فراغت مبهم و توهم‌آمیز است (گرین، ۱۹۹۰: ۵). اوقات فراغت زنان بسیار کم و ناچیز است (گرین، ۱۹۹۰: ۸۴) و (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۶). گرین تأکید دارد که فعالیت‌های تفریحی زنان آن دسته از

1. Wimbush
2. Hall
3. Theberge
4. Hargreaves
5. Rojek

فعالیت‌هایی است که به سادگی می‌توان از آن دست کشید و یا آن را به زمان دیگر موکول کرد. چنین فعالیت‌هایی مطابق با برنامه کار خانگی و نگهداری از کودکان است. برنامه‌های گذران اوقات فراغت شامل طیف خاصی از برنامه‌ها چون: گوش دادن به رادیو، طراحی دکوراسیون، کارهای دستی چون سوزن دوزی و قلاب بافی است. بایلسچکی و هندرسون^۱ (۱۹۸۶) رابطه خاصی میان فرصت‌های کاری زنان در بازار کار و این طیف از فعالیت‌ها می‌بینند. جمع بندی نظر بایلسچکی و هندرسون و گفته رابرتس^۲ (۱۹۷۸) مبنی بر شهروند درجه دوم بودن زنان گویای تأثیرات عمیق تنش‌های حاشیه‌ای زنان در حوزه عمومی و خصوصی بر گذران اوقات فراغت آنان است. همانطور که بیشتر گفتیم اتخاذ چنین نقشی با پدرسالاری رابطه مستقیم دارد. اختلاف نظرهایی در خصوص این رابطه وجود دارد مثلاً ویرینگ^۳ (۱۹۹۲) در بررسی مفهوم قدرت، ایده پدرسالاری صرف را رد می‌کند اما سایر فمینیست‌ها بر قدرت تعیین کننده آن تاکید دارند.

بین، مارس و ویمبوش در تحلیل خود از اوقات فراغت زنان، بر پدرسالاری متمرکز شده‌اند. (ویمبوش، ۱۹۸۶: ۱۲). گرین و هارگریوز در آثار خود صریحاً به تأثیرات پدرسالاری بر چگونگی گذران اوقات فراغت زنان می‌پردازند. (گرین، ۱۹۹۰: ۱۸-۱۹). رجک ضمن تاکید بر پدرسالاری در قالب کسب اجازه، از وجود یک سرکوبگری واحد نام می‌برد (رجک، ۱۹۹۵: ۳۴). فرلانگ^۴ با اقتباس از یافته‌های ماول و تاونر^۵ در مورد زنان ساکن تینساید^۶ می‌نویسد: زنان ساکن تینساید چگونگی گذران اوقات فراغت خود را تحت تأثیر روابط پدرسالارانه در خانه، محل کار یا جامعه می‌دانند (فرلانگ، ۱۹۹۷: ۵۸-۵۷). هارگریوز خاطر نشان می‌سازد که مردان مقدار زمانی

1. Bialeschki & Henderson

2. Roberts

3. Wearing

4. Furlong

5. Mowel & Towner

6. Townsend

که همسران، دوستان دختر و یا حتی فرزندان دخترشان به هرگونه فعالیت اجتماعی اختصاص می‌دهند را تحت کنترل دارند. به علاوه اعمال خشونت شوهران علیه همسرانشان در این خصوص در مطالعات انجام یافته به چشم می‌خورد (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۷). کلاری و کریچر^۱ ضمن تاکید بر تفریحات شایسته و درخور زنان، فعالیت‌های تفریحی زنان را فعالیت‌هایی می‌دانند که در زمان و مکان مشخص انجام می‌شود و یا نقش زنان قابل تطبیق باشد (کلاری و کریچر، ۱۹۸۵: ۱۶۰).

بررسی‌هایسن و مطالعات شفیلد شروع چنین تسلطی را از همان آشنایی و برقراری روابط عاطفی دانسته. هی^۲ نشان داد که تلاش زنان برای داشتن تفریحی مستقل از شوهرانشان می‌تواند سبب دعوا و کشمکش شود، خصوصاً آنکه تفریح خارج از خانه باشد. هنجارهای پدرسالارانه طیف وسیعی دارد که عبارتند از: القاء تعبیری چون مادر یا همسر خوب بودن تا تهدید یا اعمال خشونت جسمی (گرین، ۱۹۹۰: ۱۳۱-۱۲۹). پدرسالاری از این منظر یک عامل ذهنی است که با پنداشت زنان درآمیخته و بر منش و کنش آنان تأثیر دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۲۳). این تأثیر تا حدی است که بسیاری چون کیت میت زنان را مستعد پذیرش سلطه از سوی مردان می‌دانند. پدرسالاری می‌تواند مصادیق و اشکال بروز متفاوتی به خود گیرد (پیترسون^۳، ۱۹۹۹: ۱۷۴) از این رو پس از مطالعه سه گونه اصلی پرداختن به پدرسالاری (استسی^۴، ۱۹۹۳: ۵۴) می‌توان گفت اعمال صلاح‌دید شوهر در خصوص همسرش که در جامعه ایران از پشتوانه عرفی، شرعی و قانونی نیز برخوردار است، می‌تواند موردی منحصر به این جامعه بوده که در بررسی گونه‌های پدرسالاری تاکنون مورد توجه محققین فراغت قرار نگرفته است. پدرسالاری در این خصوص تسلط شوهران بر امور مربوط به همسرانشان و بیانگر قدرت تصمیم‌گیری آنها در این زمینه

1. Clarke & Critcher

2. K. Hey

3. Peterson

4. Stacey

است که از ارتباط مستقیمی با چگونگی گذران اوقات فراغت زنان برخوردار می‌باشد؛ به طوری که هرچه مرد از قدرت تصمیم‌گیری بالاتری در نهاد خانواده برخوردار باشد، همسرش مجبور به پذیرش نظرات او - ولو برخلاف میل و رضایت قلبی‌اش - می‌باشد. اعمال چنین قدرتی از سوی مرد و پذیرش آن خیلی بیشتر از آنکه بیانگر نوع شخصیت فرد باشد (مثلاً شخصیت اقتدارطلب) نشانگر آموزه‌ها و رفتارهای جنسیتی رایج در هر جامعه است که بعضاً از پشتوانه‌های قانونی نیز برخوردار است. اعمال صلاحدید در شکل کنترل دوستان، تعیین مدت زمان فراغت و مکان آن بر کنشگری که خود آزادانه به دنبال انتخاب برنامه‌ای برای گذران اوقات فراغت خود است، تأثیر می‌گذارد و از این راه با رضامندی فرد از گذران اوقات فراغت ارتباط می‌یابد.

انجام کار خانگی از دیگر مواردی است که بر گذران فراغت زنان به جهت مقدار زمان و انرژی جسمانی و روحی لازم برای آن تأثیر گذاشته، رضامندی آنان را نیز تحت الشعاع قرار می‌دهد. عهده داری چنین مسئولیتی در کنار اشتغال زنان به کار دستمزدی شرایط سخت تری را برای آنان ایجاد می‌کند. کارخانگی کاری زنانه تلقی می‌شود و سبب نارضایتی زنان از یکنواختی و پراکندگی و پایان ناپذیری آن است. نگهداری از کودکان، زنان را با مسئولیتی دوچندان روبرو می‌کند. در بررسی این موضوع باید گفت که محققان به تعداد فرزندان بستنده نکرده سنین آنان را نیز در نظر گرفته‌اند. گرت مدعی است وظایف و کارهای مربوط به بچه داری در خانواده‌هایی که فرزند زیر پنج سال دارند به طور متوسط هفته‌ای پنجاه ساعت وقت می‌گیرد (گرت، ۱۳۸۰: ۶۶). گرین و همکارانش نیز در تحقیق خود دریافتند داشتن فرزندان خردسال (زیر پنج سال) با میزان اوقات فراغت زنان و همچنین به دلیل محدودیت‌ها و خدمات مورد نیازی که ایجاد می‌کنند با رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت در ارتباط معکوس است.

بنابراین کار خانگی سبب کمبود وقت و نارضایتی زنان بوده، دسترسی زنان به اوقات فراغت و فعالیت‌های تفریحی رضایتبخش را تحت تأثیر قرار داده و فرصت‌های

آنان را محدود می‌کند. به بیان دیگر می‌توان گفت که مشارکت شوهران در تقسیم کار خانگی، موجب تسهیل امر و افزایش اوقات فراغت و دسترسی زنان به تفریح رضایتبخش خواهد شد. این امر تا بدان حد اهمیت دارد که محققینی چون رابرتس معتقدند: به طور کلی اوقات فراغت به تساوی بین زن و شوهر تقسیم نمی‌شود ... نابرابری در توزیع اوقات فراغت در خانه موجب تضادی می‌شود که می‌تواند حصار بین طبقات اجتماعی را بی اهمیت سازد (رابرتس، ۱۹۷۸: ۹۶). اهمیت و تقدم کارخانگی بر سایر امور زندگی زنان متأهل تا حدی است که پارکر معتقد است برخی از کارهای خانه در نزد زنان تفریح محسوب می‌شود (پارکر، ۱۹۷۶: ۸۸). گرین و پری از کار خانگی به علت فشارهای ناشی از آن در کنار نگهداری از فرزندان - به ویژه خردسالان - به عنوان یک کار تمام وقت نام می‌برند (گرین، ۱۹۹۰: ۸۶). گرت بر زنانه بودن مسئولیت نگهداری از کودکان تاکید دارد (گرت، ۱۳۸۰: ۶۶). هارگریوز می‌نویسد: کمبود زمان محدودیت آشکار تفریح زنان است (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۶). پس زنان از نظر وقت همواره در تنگنا هستند. این عامل در نزد ادینگتون یکی از موانع دسترسی زنان به اوقات فراغت است (بrazنده، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۶).

گرین و رجک به فعالیت‌های تفریحی هماهنگ با کار خانگی مانند تماشای تلویزیون اشاره می‌کنند (گرین، ۱۹۹۰: ۲۴)، (رجک، ۱۹۹۵: ۳۱). علاوه بر این گرین به تفریحاتی اشاره دارد که در زمان محدود انجام می‌شود و به راحتی می‌توان از آن صرف نظر کرد. همین محدودیت‌ها باعث شده تا زنان کمتر به فعالیت‌های تفریحی بیرون از خانه روی آورند. رجک صریحا اعلام می‌دارد که تجربه مشترک زنان از تفریح، تجربه‌ای مبتنی بر تفریحات درون خانه است. چنانکه دیم^۲ در بررسی خود از گذران اوقات فراغت زنان به تفریحاتی اشاره دارد که در خانه و در کنار سایر کارهای

روزمره خانگی انجام می‌شود. او نام تفریحات درون خانه را بر این دسته از تفریحات نهاد (دیم، ۱۹۸۲: ۳۲).

کار کردن زنان در بیرون از خانه در وضع آنان تغییری ایجاد نمی‌کند؛ چراکه تصور این است که جای درست زن در خانه است و کار واقعی بیرون از خانه توسط مردان انجام می‌شود (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۶). زنان شاغل با وجود کار سخت دستمزدی خود نیز بر این باورند که عهده دار کارخانگی هستند (آبوت و والاس، ۱۳۸۰: ۱۷۳). در این میان زنان دارای فرزندان خردسال که مجبور به ترک خانه به قصد کار هستند، در بدترین شرایط قرار دارند (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۶). گیدنز می‌گوید با آنکه در دهه‌های اخیر با افزایش زنان شاغل روبه رو بوده‌ایم اما مطالعات الستون در مورد زوجین پزشک، نشانگر ادامه تقسیم نابرابرانه کارخانگی است (گیدنز، ۱۳۷۴: ۲۴۶). گرین می‌گوید: با وجود عهده داری مسئولیت کار دستمزدی، شوهران باز هم زنان را در انجام کار خانگی تنها می‌گذارند (گرین، ۱۹۹۰: ۱۱۰). مطالعات بین و مارس^۱ نشان داد حتی در زمانی که شوهران بیکارند باز هم بیشترین مسئولیت انجام کار خانگی متوجه زنان است (بین و مارس، ۱۹۸۴: ۶۸۱).

از این رو کارخانگی به سبب تحمیل فشارهای جسمی روانی از یک سو و باقی گذاشتن اوقات فراغت اندک برای زنان در انتخاب برنامه‌های گذران اوقات فراغت - که فرد آنها را آزادانه و همراه با میل و رغبت انتخاب کند - با رضامندی فرد از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد. با این پیش فرض که کارخانگی کاری زنانه تلقی می‌شود، شاید بهترین قضاوت در خصوص الگوی انجام آن، قضاوت زنان در مورد مشارکت همسرانشان در انجام کارخانگی و بالطبع کاهش فشارهای ناشی از آن خواهد بود که این قضاوت با میزان اوقات فراغت زنان و رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد.

از دیگر موضوعات قابل توجه در خصوص گذران اوقات فراغت زنان، پایگاه اجتماعی آنان است. بررسی‌ها نشان از رابطه‌این متغیر با چگونگی گذران اوقات فراغت دارند. بطوری که نمی‌توان نقش عامل طبقه، درآمد و نوع شغل را در میزان اوقات فراغت و فعالیت‌های تفریحی رضایتبخش نادیده گرفت.^۱ در حقیقت درآمد بیشتر، به فرد اجازه می‌دهد تا اوقات فراغت بیشتری داشته باشد و در عین حال اوقات فراغت خود را به واسطه تسهیلات بیشتری که دارد بهتر بگذراند. نوع شغل و تحصیلات نیز بر دسترسی افراد به امکانات جامعه برای گذران اوقات فراغت رضایتبخش تأثیرگذار است.

نگاهی به مطالعات انجام یافته در حوزه جامعه‌شناسی اوقات فراغت حاکی از آن است که پایگاه اجتماعی از مواردی است که از آغاز مد نظر محققین این حوزه بوده است (کوهستانی، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۷). ویمبوش بر اهمیت پایگاه اجتماعی در تحلیل اوقات فراغت زنان تأکید دارد. گرین و گلیپتیس^۲ بر رابطه پایگاه اجتماعی و چگونگی گذران اوقات فراغت زنان تأکید دارند. (گرین، ۱۹۹۰: ۱۹، رجک، ۱۹۹۵: ۳۴) تأکید نومیر^۳ بر درآمد بعنوان یکی از عوامل تأثیر گذار بر اوقات فراغت بی ارتباط به این موضوع نیست. او معتقد است درآمد با فراغت رابطه تنگاتنگی دارد. اگر درآمد صرفاً به اندازه‌ای باشد که کفاف زندگی بنخور و نمیر را بکند، وجوه کمی برای صرف در امور رفاهی و فراغت باقی می‌ماند (برازنده، ۱۳۷۷: ۵۳). هارگریوز تصریح می‌کند: «اشتباه خواهد بود اگر زنان را گروهی همسان بپنداریم، برای نمونه نابرابری‌های طبقاتی، نابرابری‌های جنسیتی در تفریح و ورزش را تشدید می‌کند. درآمد موجب می‌شود تا زنان از کمک سایرین در اداره امور خانه و مراقبت از فرزندان بهرمنند شوند، پولی برای گذران اوقات فراغت در اختیار آنان باشد و از حمل و نقل خصوصی نیز

۱- نگاه کنید به هارگریوز، کلارک و کریچر (۱۹۸۵) در خصوص اهمیت طبقه و گرین، دیم (۱۹۸۲) در خصوص اهمیت اشتغال، درآمد و تحصیلات

بهره گیرند. کلارک و کریچر گذران اوقات فراغت را تحت تأثیر عامل طبقه می‌دانند. مطالعات هارگریوز در مورد پرکردن اوقات فراغت با ورزش، نشان داد تفریحات خارج از خانه، خصوصاً ورزش گران است. به طور نمونه هزینه حمل و نقل، دستمزد پرستار بچه و هزینه ورود به مکانهای تفریحی و ورزشی برای زنان بیکار، کم درآمد و یا داری شوهران بیکار سنگین است. خصوصاً آنکه در بیشتر خانواده‌ها درآمد در اختیار کسب کننده آن - مردان - است و برای امور شخصی چون تفریح، زنان بدان دسترسی ندارند (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۸-۱۳۷). این یافته‌ها بر اندیشه ادینگتون در خصوص موانع دسترسی به اوقات فراغت منطبق‌اند. او یکی از موانع را موانع اقتصادی دانسته می‌نویسد: عدم دسترسی به درآمد دلخواه بر میزان مشارکت افراد در فراغت‌های مختلف تأثیر می‌گذارد. تأثیر عوامل اقتصادی به ویژه در جوامعی که دارای سیستم‌های بسیار پیشرفته ارائه خدمات تجاری فراغت هستند بسیار مشهود است و باعث کاهش میزان دسترسی افراد به خدمات گوناگون فراغت غیر انتفاعی و دولتی می‌شود (برازنده، ۱۳۷۷: ۵۸-۵۷). مروری بر تحقیقات انجام یافته در داخل کشور نیز نشان داد که رابطه مستقیمی میان تحصیلات و درآمد با چگونگی گذران اوقات فراغت وجود دارد (همان).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

چارچوب نظری

در چارچوب نظری از مباحث نظری کاپلان، نومیر، پارکر و رجک بعنوان صاحب‌نظران اصلی حوزه جامعه‌شناسی فراغت و همچنین تحقیقات گرین، ویلمبوش، فرلانگ، هارگریوز و دیم در حوزه مطالعه فراغت زنان استفاده کرده‌ایم. هرچند به فراخور به سایر کارهای نظری و پژوهشی نیز ارجاع داده شده، اما موارد مذکور شاکله اصلی چارچوب نظری را تشکیل می‌دهند. متغیر وابسته مورد نظر این مقاله رضامندی

از گذران اوقات فراغت است. سه متغیر دیگر هر کدام به شکلی با چگونگی گذران اوقات فراغت در ارتباطند.

خانواده مانند هر نهاد اجتماعی دیگر عرصه اعمال سلطه است. این سلطه از طریق آنچه در این پژوهش با عنوان پدرسالاری می‌شناسیم محقق می‌شود. افرادی چون والبی^۱ (۱۹۹۰) و کیت میلِت^۲ (۱۹۷۷) با گرفتن مفهوم اصلی پدرسالاری و افزودن مسائل مرتبط به آن وجه‌های مختلف پدرسالاری را به صورت پدرسالاری خصوصی، عمومی، استعمار داخلی و پدرسالاری متمایز نشان می‌دهند. کلارک و کریچر^۳ با تاکید بر تفریحات شایسته و درخور زنان نشان می‌دهند که چگونه دادن برچسب‌های اینچنین می‌تواند زنان را از تعقیب فراغت مورد علاقه شان بازدارد. مراد ما از آن اعمال سلطه مرد در خانواده و میزان قدرت تصمیم‌گیری اوست. به کمک پدرسالاری متمایز والبی می‌توان تنوع اشکال و درجات مختلف این اعمال سلطه را تعیین و شرایط زنان ایرانی را به کمک آن تبیین کرد. ما در بیان ارتباط پدرسالاری با چگونگی گذران اوقات فراغت، پدرسالاری را با توجه به شرایط بومی ایران، آنهم منطبق با تجربه زنان در کلان شهر تهران - و نه هر روستا و شهر دیگر در سایر نقاط این کشور - به قدرت تصمیم‌گیری شوهر در مورد همسرش تعبیر کردیم و سایر جنبه‌های پدرسالاری از جمله تسلط مردان بر زنان خانواده - مادر، خواهر - فرزندان، مردان جوانتر، پدرسالاری در حوزه عمومی و خصوصی را به بحثی دیگر موکول کردیم. به بیان دیگر پدرسالاری در خصوص اوقات فراغت زنان ایران که مبتنی بر تجارب خاص آنان است در اشکال مختلفی چون اعمال نظر شوهر در اتخاذ دوستان، لزوم کسب اجازه برای خروج از خانه و تعیین مدت آن از سوی شوهر که در حقیقت حکایت از قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص همسرانشان دارد، چهره خود را نشان می‌دهد.

کارخانگی موضوع دیگری است که با چگونگی گذران اوقات فراغت زنان ارتباط دارد. بطور کلی کارخانگی، کاری زنانه محسوب می‌شود. تنوع الگوی کار خانگی نیز به معنای برابری و تقسیم کار عادلانه نیست. چه بسا فاکتورهای اساسی کار خانگی مانند آماده کردن غذا، مراقبت کودکان و غیره در خانواده‌ها صرفاً به عهده زنان می‌باشد. اگر در موارد استثنائی هم تقسیم کار مساوی در خانه باشد هنوز این شکل، شکل غالب در خانواده‌های ایرانی نیست. چه بسیار دیده‌ایم که انتساب کارهای خانه به مردان در زبان محاوره رایج، بار تمسخر و کنایه دارد. با این پیش فرض که زنان در جامعه ایران متصدی امور خانه محسوب می‌شوند کارخانگی وظیفه آنان تلقی می‌شود به طور منطقی می‌توان استدلال کرد که کمک مردان در راستای تقسیم برابر کار خانگی در شکل مشارکت و همکاری می‌تواند بر رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت‌شان تأثیر گذارد. چراکه زمان مصرفی برای کار خانه به صورت برابر تقسیم شده، زنان وقت آزاد بیشتری دارند و می‌توانند با میل و رغبت و اختیار و آزادی عمل به فعالیت تفریحی دلخواه خود بپردازند. این مهم علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن نوع گذران اوقات فراغت از لحاظ اتخاذ فعالیت‌های هماهنگ با کارخانگی و نگهداری از فرزندان و همچنین انرژی مصروفه برای این امور، می‌تواند بر رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت نیز تأثیر گذار باشد.

گراین نشان داد که اشتغال برای زنانی که عهده دار بیشترین مسئولیت کارخانگی هستند دارای فشارهای سنگینی بوده، وضع را به مراتب بدتر می‌کند (اوقات فراغت را محدودتر کرده، چگونگی گذران اوقات فراغت را تحت تأثیر قرار می‌دهد - خصوصاً آنکه مطالعات گرین، هارگریوز و دیم نشان داد که اشتغال زنان در بازتوزیع مسئولیت‌های خانگی نقشی ندارد، با این حال کسب درآمد، معاشرت با همکاران و برقراری روابط اجتماعی در حوزه عمومی به دور از محدودیت‌های خانواده و اعمال صلاحدید شوهران، تسهیلاتی برای گذران اوقات فراغت زنان با خود دارد (گرین، ۱۹۹۰: ۹۶-۹۵). همچنین تاکید بر نقش درآمد در حفظ استقلال و برخورداری از حق

انتخاب و تصمیم‌گیری در مورد زنان از اهمیت خاصی برخوردار است. تحقیقات هارگریوز و گرین این نکته را تأیید می‌کنند. (گرین، ۱۹۹۰: ۳۳)، (هارگریوز، ۱۹۸۹: ۱۳۵).

مجموعه عواملی چون: تحصیلات، درآمد و منزلت شغلی، در قالب پایگاه اجتماعی زنان با میزان پرداختن آنها به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت و با رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت در ارتباط است. چراکه پایگاه اجتماعی فرد با ارائه شناخت و بینش ناشی از منزلت شغلی و میزان تحصیلات او در انتخاب برنامه‌های گذران اوقات فراغت فرد و در نهایت رضامندی او تأثیرات عمیق خود را نمایان خواهد کرد. نقش درآمد در انتخاب برنامه‌های گذران اوقات فراغت به دلیل در اختیار قرار دادن فرصت‌ها و امکانات خاص و در نهایت تأثیر آن بر رضامندی فرد از گذران اوقات فراغت بر همگان واضح است.

کوتاه آنکه کمبود انرژی لازم برای ورزش، وجود کارخانگی و در دسترس نبودن پول کافی از موانع زنان در دسترسی به اوقات فراغت رضایتبخش می‌باشد. آنچه مردان برای زنان شایسته می‌شمرند، مقررات اجتماعی، ترس از اعمال خشونت از سوی همسر به بهانه نافرمانی از دیگر موانع محسوب می‌شوند. ساده تر آنکه اول زنی باید در فواصل کار خانگی وقت آزاد داشته، پولی در جیب داشته و از موانعی چون ممانعت‌های همسر دور باشد که بتواند با توجه به شرایط تصمیم گرفته به فعالیت‌های تفریحی رضایتبخش بپردازد.

فرضیه‌ها

با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان فرضیه‌های زیر را مطرح کرد:

- میزان قدرت تصمیم‌گیری شوهران در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد.

- میزان مشارکت مردان در انجام کار خانگی با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد.
- داشتن فرزند خردسال با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد.
- پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباط دارد.

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تبیینی است. برای بررسی رابطه مندی فرضیات پژوهش به کمک روش پیمایش، اطلاعات لازم در قالب پرسشنامه تحقیق از ۱۱۷ نفر از زنان شاغل دانشگاه علامه طباطبائی در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ جمع آوری شد. برای رسیدن به پایایی قابل قبول، آزمون مقدماتی پرسشنامه و حذف سوالات دارای آلفای کرونباخ کمتر از ۰/۷، برای سوالاتی که میزان مشارکت مردان در انجام کار خانگی، تصمیم‌گیری در مورد گذران فراغت همسران و گذران فراغت را مورد پرسش قرار می‌داد، در دستور کار قرار گرفت. اعتبار نیز از طریق الگوگیری برنامه‌های گذران اوقات فراغت به کمک ابزار سنجش از قبل موجود در یک مرجع معتبر^۱ حاصل گشت. علاوه بر آن پرسشنامه در اختیار سه تن از صاحب‌نظران قرار گرفت تا به لحاظ صوری نیز اعتبار لازم را داشته باشد.

تعریف مفاهیم و عملیاتی کردن متغیرها

- مشارکت مردان در انجام کار خانگی: «مشارکت مردان در انجام کار خانگی به معنای عهده داری سهمی از کارخانگی است. کار خانگی مجموعه فعالیت‌هایی است که نقش آن خدمت به خانواده و اعضای آن، از طریق تهیه غذا و ارائه سایر خدمات

ضروری است. کاری است که بدون مزد در انزوا انجام می‌شود و صرفاً کننده کار، آن را تعریف می‌کند. رئیسی در کار نیست که ساعات کار یا ملاک و معیاری برای نحوه انجام آن وضع کند» (گرت، ۱۳۸۰: ۶۵-۵۶).

مشارکت مردان در انجام کار خانگی با شاخص‌هایی چون مشارکت در خرید مایحتاج غذایی، خرید مایحتاج پوشاک، خرید لوازم و وسایل منزل، رسیدگی به امور بانکی، رسیدگی به دخل و خرج خانه، تعمیرات جزئی در خانه، نگهداری از اعضا خانواده در هنگام بیماری، رسیدگی به امور درسی فرزندان و گفتگو با آنان، شنیدن حرف‌هایشان و راهنمایی آنها، به گردش و تفریح بردن فرزندان، آشپزی، شستن ظرف‌ها، شستن لباس‌ها، نظافت خانه، اتو کشی لباس‌ها، آماده کردن و جمع کردن میز غذا یا سفره و پذیرایی از میهمان سنجیده می‌شود. چهار پاسخ معمولاً خودم، من و همسر هر دو با هم، معمولاً همسر، سایرین خدمت کار، نزدیکان، فرزند بزرگتر) برای آن در نظر گرفته شده و در نهایت با میزان مشارکت مردان در سه سطح کم، متوسط و زیاد - طیف امتیازبندی حداقل ۵۱-۱۷ - مورد سنجش قرار می‌گیرد.

- قدرت تصمیم‌گیری شوهران در خصوص گذران اوقات فراغت همسران: «قدرت یعنی توانایی افراد، یا اعضای یک گروه برای دستیابی به هدف‌ها یا پیشبرد منافع خود. قدرت یک جنبه فراگیر همه روابط انسانی است. بسیاری از ستیزه‌ها در جامعه مبارزه برای قدرت است، زیرا میزان توانایی یک فرد یا گروه در دستیابی به قدرت بر این امر که تا چه اندازه می‌توانند خواستهای خود را به زبان خواست‌های دیگران به مرحله اجرا درآورند، تأثیر می‌گذارد» (گیدنز، ۱۳۷۰: ۷۸۳).

اگر از تعبیر بالا در توضیح قدرت تصمیم‌گیری شوهران در مورد همسرانشان استفاده کنیم، راه خطا نرفته‌ایم؛ چه بسا که در استفاده از مفهوم تصمیم‌گیری بسیاری از محققان هرم قدرت در خانواده را مورد بررسی قرار داده‌اند (اعزاز، ۱۳۸۰: ۸۱). قدرت تصمیم‌گیری شوهران در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان را با میزان دخالت مردان در تصمیم‌گیری‌های همسرانشان در موارد ذیل می‌پرسیم: دعوت یکی از

دوستان به منزل در غیاب همسر، رفت و آمد با همسایه، رفتن به میهمانی بدون همراهی همسر، رفت و آمد با خویشاوندان بدون همراهی همسر، تصمیم‌گیری درباره محل و مدت زمان گذراندن ساعاتی از روز خارج از خانه مانند: پیک نیک، خرید، سینما و غیره با دوستان بدون همراهی همسر و تعیین دوستانی که زنان را در تفریحات خارج از خانه همراهی می‌کنند. پاسخ‌ها در پنج گزینه گنجانده شده است: تاکنون چنین موردی اتفاق نیفتاده، هیچ، کم، تاحدی، زیاد. در نهایت این متغیر بعنوان متغیر ترتیبی در سه سطح کم، متوسط و زیاد - طیف امتیازبندی حدفاصل ۳۲-۸ - مورد سنجش قرار می‌گیرد.

- پایگاه اجتماعی: «مقامی که فرد یا گروه با توجه به توزیعشان در یک نظام اجتماعی اشغال می‌کنند را پایگاه اجتماعی گویند، یا به عبارت دیگر پایگاه اجتماعی وضعیتی است که یک فرد در برابر دیگران می‌یابد که تعیین‌کننده حقوق و وظایف انسانها و گروههای اجتماعی است» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۷۳). پارسونز با رویکرد کارکردی ساختاری معتقد است «نظام قشربندی اجتماعی افراد را در یک زمینه عام سلسله مراتب اجتماعی بر اساس دو مبنای اصلی؛ کار و نظام خویشاوندی در یک جامعه صنعتی مدرن مرتب می‌کند» (پارسونز، ۱۹۹۶: ۷۹). توضیح آنکه زن خانواده و فرزندان در منزلت پدر خانواده سهم‌اند و پدر خانواده نیز منزلت را از نظام مشاغل می‌گیرد. گرب می‌نویسد: «حیثیت و طبقه منزلت تمام اعضای خانواده بر اساس شغل سرپرست خانوار که به طور معمول شوهر/ پدر است، ارزیابی می‌شود» (گرب، ۱۳۷۳: ۱۳۲). پس برای سنجش این متغیر از چهار شاخص درآمد، تحصیلات، منزلت شغلی و میزان برخورداری از امکانات رفاهی استفاده کرده و در مجموع هم وضعیت زن و هم شوهر را می‌سنجیم. جهت تعیین منزلت شغلی از رتبه بندی مشاغل براساس جدول کاظمی‌پور استفاده شده است. در نهایت پس از استانداردسازی چهار شاخص مذکور، اندازه‌گیری متغیر پایگاه اجتماعی به کمک گروه بندی پنج گانه - نسبتاً پایین،

متوسط پایین، نسبتاً متوسط، متوسط بالا، نسبتاً بالا- و طیف امتیازبندی حد فاصل ۲۰-۴ میسر می‌گردد.

- داشتن فرزندان خردسال: به معنای داشتن فرزندی است که زیر هفت سال هستند. توضیح آنکه در ابتدا قرار بود تعداد فرزندان خردسال بعنوان متغیر محسوب شود، اما در پایان کار معلوم شد هیچ یک از آزمودنی‌ها در زمان پاسخگویی دارای دو فرزند خردسال نبوده‌اند. پس تعداد فرزندان خردسال بی معنا به نظر رسیده، با داشتن فرزندان خردسال که یک متغیر اسمی است جایگزین گردید.

- رضامندی از چگونگی گذران اوقات فراغت متغیر وابسته است. «رضامندی را با رضایت تعریف کرده‌اند و رضایت یعنی خوشحالی، خشنودی» (مشیری، ۱۳۶۹: ۵۰۶). در فرهنگ زبان فارسی امروز می‌خوانیم: «رضامندی وضع یا کیفیت رضایت داشتن است و رضایت یعنی خشنودی و خرسندی» (حکمی، ۱۳۶۹: ۵۱۱). بدین نحو رضامندی از چگونگی گذران اوقات فراغت به معنای رضایت داشتن و خشنود بودن از چگونگی گذران اوقات فراغت است. برای بررسی آن با الهام از کار دلبرت میلر، مقیاسی شامل ۴۵ گویه در نظر می‌گیریم که هر گویه مبین اموری است که انتظار می‌رود فرد در آن شرکت کند. هر گویه با مقیاسی ۳ درجه‌ای رتبه‌بندی شده است. گذران اوقات فراغت با فراوانی شرکت در فعالیت‌های اوقات فراغت مقیاس‌بندی شده است (۱. هرگز، ۲. گاهی، ۴. غالباً). فرح بخشی یا رضامندی اوقات فراغت برحسب احساس رضایت و خشنودی فرد از پرداختن به امور مذکور (۱. کم، ۲. تاحدی، ۳. زیاد). در اینجا فهرستی از امور داده شده است. در سمت راست ورقه با توجه به نام هر گزینه که در بالای هر ستون درج شده، ستونی که مبین میزان مشارکت پاسخگو در حال حاضر در این امور است علامت می‌خورد. در سمت چپ ورقه نیز ستونی که مبین میزان رضایت پاسخگو است علامت می‌خورد.

از پرداختن به این امور تا چه حد احساس رضایت و خشنودی دارید؟			چقدر به این امور می‌پردازید؟			
زیاد	تا حدی	کم		غالباً	گاهی	هرگز
			تئاتر			
			سینما			

بدین ترتیب هم از چگونگی و نحوه گذران اوقات فراغت پاسخگویان مطلع گشته و هم نسبت به میزان رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت اطلاعاتی کسب گردید. طیف گسترده‌ای از برنامه‌های گذران اوقات فراغت چون مطالعه، شرکت در سمینارها، گفتگو با خانواده، بازیهای فکری، رقص، بازدید از نمایشگاه، ورزش یا تفریح گروهی در خارج از خانه، ورزش یا تفریح فردی خارج از خانه، ورزش یا تفریح در اماکن ویژه آنها، هنرهای دستی، تماشای تلویزیون و برنامه‌های شبکه‌های داخلی و خارجی، رفتن به سینما، شرکت در جلسات و فعالیت‌های سازمان‌ها و انجمن‌ها غیر دولتی بعنوان عضو، گردش و تفریح با خانواده، گردش و تفریح با دوستان، نواختن ساز، آرمیدن و فکر کردن، کنسرت، گفتگوی تلفنی، مسافرت با خانواده، مسافرت با دوستان، رفتن به کتابخانه عمومی، بازدید از موزه، سرگرمی‌های خاص (گردآوری تمبر، عکاسی و غیره)، گفتگوهای اینترنتی، نامه نگاری اینترنتی، استفاده از اخبار اینترنتی، بازی‌های کامپیوتری، رفتن به کافی شاپ، رفتن به مسجد، قدم زدن در بازار و فروشگاهها، گوش دادن به موسیقی و گوش دادن به رادیو نیز لحاظ گردید. اندازه گیری این متغیر با در نظر گرفتن همه گویه‌های بالا بین ۱۳۵-۴۵ است. اما از آنجاکه از پاسخگویان خواسته شده بود تنها رضایت خود را در فراغتی مشخص کنند که بدان می‌پردازند، بجای در نظر گرفتن معیار از پیش تعیین شده، کمترین و بیشترین نمرات حاصل از نتیجه داده‌ها (حداصل ۱۰۵-۱۹) مبنای کار قرار

گرفته، با تقسیم بندی به سه سطح کم، متوسط و زیاد میزان رضامندی پاسخگویان ارزیابی شد.

ارائه یافته‌ها

داده‌های توصیفی

توزیع زنان بر حسب گروه‌های سنی ۱۰ساله نشان داد که بیشترین آنها (۳۶/۲ درصد) در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال و کمترین‌شان (۷/۸ درصد) در گروه سنی ۵۱ تا ۶۰ سال قرار گرفته‌اند. در مجموع با توجه به اینکه نیمی از این زنان بیشتر از ۲۷ سال ویمی کمتر از آن سن داشته‌اند می‌توان گفت جمعیت آماری ما تا حدی جوان بوده‌اند. همگی پاسخگویان متاهل بوده و در زمان پاسخگویی با همسر خود زندگی می‌کردند (یکی از شرط‌های تحقیق تاهل بود). بیشترین آنها (۲۵/۶ درصد) ۱ تا ۶ سال از ازدواجشان می‌گذرد. این در حالی است که کمترین‌شان (۲/۶ درصد) ۳۰ تا ۳۶ سال تجربه زندگی مشترک داشته‌اند. از لحاظ تعداد فرزندان اعضای جمعیت مورد بررسی ۲/۵۴ فرزند داشتند. ۴۰ درصد آزمودنی‌ها تنها دارای یک فرزند خردسال هستند و ۶۰ باقیمانده دارای فرزندان هستند که سنین خردسالی را گذرانده‌اند. بررسی جمعیت تحقیق از لحاظ سطح تحصیلات نشان داد در حدود ۶۴ درصد از این جمعیت مراتبی از تحصیلات دانشگاهی را طی کرده و ۱۴/۵ درصد به دوره‌های تحصیلات عالی راه یافته‌اند. (بیشتر) ۷۸/۶ زنان شاغل در دانشگاه علامه طباطبائی دارای منزلت شغلی نسبتاً متوسطی هستند. ۱۰/۳ درصد از زنان شاغل در دانشگاه علامه طباطبائی دارای منزلت شغلی نسبتاً پایینی بوده و در مجموع تنها ۹/۴ درصد از زنان به لحاظ احراز مشاغل بر اهمیت و دارای منزلت بالا موفق بوده‌اند. مقایسه میزان تحصیلات شوهران با میزان تحصیلات خود زنان، نشان داد سطح تحصیلی زنان شاغل در دانشگاه علامه

طبباطبائی اندکی بالاتر از همسرانشان است. این موضوع در رابطه با مقایسه منزلت شغلی نیز مصداق دارد.

مقایسه ابراز نظر زنان درباره دخالت داشتن و یا نداشتن شوهرانشان در تصمیم‌گیری آنان برای پرداختن به امور تفریحی نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری درباره تعداد دوستانی که زنان را در تفریحات بیرون از خانه همراهی می‌کنند تنها موردی است که در مقایسه با سایر موارد دخالت شوهر در تصمیم‌گیری همسران برای گذران اوقات فراغت کمتر است، بیشتر زنان (۴۰/۶ درصد) معتقدند شوهرشان هیچ دخالتی در این خصوص ندارد.

جدول ۱- توزیع میانگین و انحراف معیار ابعاد میزان قدرت تصمیم‌گیری مردان در

خصوص گذراندن اوقات فراغت همسران

انحراف معیار	میانگین	موارد
۱/۰۶	۲/۱۹	دعوت یکی از دوستان به منزل، زمانی که شوهر در خانه نیست
۰/۹۷	۲/۱۱	رفت و آمد با همسایه
۰/۹۴	۲/۳۴	رفتن به میهمانی بدون همراهی همسر
۰/۹۳	۲/۲۸	رفت و آمد با خویشاوندان همسر بدون همراهی همسر
۰/۹	۲/۰۷	رفت و آمد با خویشاوندان خود بدون همراهی همسر
۱/۱۲	۲/۴	تصمیم‌گیری درباره محل گذراندن ساعاتی از روز در خارج از خانه (پیک نیک، خرید، سینما و...) با دوستان بدون همراهی همسر
۱/۰۹	۲/۳۰	تصمیم‌گیری درباره مدت زمان گذراندن ساعاتی از روز در خارج از خانه (پیک نیک، خرید، سینما و...) با دوستان بدون همراهی همسر
۱/۱۸	۲/۱۷	تعیین دوستانی که شما را در تفریحات خارج از خانه همراهی می‌کنند

مقایسه میانگین‌ها نشان داد تصمیم‌گیری درباره محل گذراندن ساعاتی از روز خارج از خانه با دوستان بدون همراهی همسر، رفتن به میهمانی بدون همراهی همسر و تصمیم‌گیری درباره مدت زمان گذراندن ساعاتی از روز خارج از خانه با دوستان بدون همراهی همسر به ترتیب مواردی هستند که میزان دخالت شوهر در آنها زیاده‌تر از بقیه بوده و در نتیجه نشانگر میزان بالاتری از اعمال قدرت مردان در خصوص همسرانشان است.

در خصوص تقسیم کار خانگی، تعمیرات جزئی در خانه، رسیدگی به امور بانکی، خرید مایحتاج غذایی و خرید لوازم منزل به ترتیب اموری است که مردان انجام آن را بر عهده داشته، و از مشارکت بالایی برخوردارند. از سوی دیگر آشپزی، شستن لباس‌ها، نظافت خانه و اتو کشی لباسها به ترتیب اموری است که مردان در آن کمترین مشارکت را داشته‌اند.

جدول ۲- توزیع میانگین و انحراف معیار مشارکت مردان در انجام کار خانگی

انحراف معیار	میانگین	نوع کار
۰/۷۷	۲/۰۵	خرید مایحتاج غذایی
۰/۵۷	۱/۵۵	خرید پوشاک
۰/۶۴	۱/۹۴	خرید لوازم منزل
۰/۸۶	۲/۲۳	امور بانکی
۰/۷۴	۲/۰۸	دخل و خرج خانه
۰/۶۸	۲/۶	تعمیرات جزئی در خانه
۰/۵۵	۱/۴۲	نگهداری از اعضاء خانواده در هنگام بیماری
۰/۵۴	۱/۴۱	رسیدگی به درس فرزندان
۰/۴۸	۱/۷	گفتگو با فرزندان
۰/۴۷	۱/۸۳	گردش و تفریح

۰/۵۴	۱/۳۳	شستن ظرف‌ها
۰/۳۹	۱/۱۸	شستن لباس‌ها
۰/۶۵	۱/۳۹	اتوکشی
۰/۵۲	۱/۳۶	نظافت خانه
۰/۵۹	۱/۴۸	آماده کردن سفره
۰/۵۳	۱/۵۵	پذیرایی از میهمان
۰/۴۲	۱/۱۷	آشپزی

بررسی پایگاه اقتصادی اجتماعی زنان بر حسب منزلت شغلی، تحصیلات، درآمد شوهر و برخورداری از امکانات رفاهی و دسته بندی آن در سه گروه اصلی منجر به قرار گرفتن ۶۴/۷ درصد زنان در گروه پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبتاً متوسط شد. و تنها ۱۰/۳ درصد زنان در گروه پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبتاً بالا و ۲۵ درصد ایشان در پایگاه اقتصادی اجتماعی نسبتاً پایین هستند.

بررسی میزان اوقات فراغت زنان کارمند و استاد در دانشگاه علامه طباطبائی در یک هفته نشان داد که ۲۷/۳ درصد این زنان بین ۱۰ تا ۱۹ ساعت در هفته اوقات فراغت دارند که این میزان با احتساب حدود ۱۲ ساعت برای پنج شنبه و جمعه دو روز تعطیل کاری، نشانگر اوقات فراغت اندک برای زنان در روزهای عادی است. تنها ۸/۱ درصد از زنان بیش از ۴۹ ساعت در هفته - میزان بالا- اوقات فراغت دارند. ۲۰/۹ درصد از زنان نیز یا هفته‌ای ۰ تا ۹ ساعت در وضعیت فقر اوقات فراغت قرار دارند.

از لحاظ میزان گذران اوقات فراغت در درون یا بیرون از خانه مطالعات نشان داد که ۵۳/۱ درصد زنان جمعیت آماری ما به میزان متوسطی اوقات فراغت خود را در داخل خانه سپری می‌کنند. در عین حال تعداد کسانی که اوقات فراغت خود را به میزان کم در داخل خانه می‌گذرانند به تعداد بالا نزدیک است (۴۷ درصد). در نهایت هیچ فردی از جمعیت آماری ما اوقات فراغت خود را به میزان زیاد در داخل خانه

نمی‌گذراند. ۷۰/۱ درصد از زنان اوقات فراغت خود را تا حدی در خارج از خانه سپری می‌کنند، که این بیش از سایر افراد است. تنها ۵/۶۶ درصد از افراد اوقات فراغت خود را زیاد در خارج از خانه می‌گذرانند. مقایسه میانگین کسانی که اوقات فراغت خود را در درون خانه می‌گذرانند با کسانی که اوقات فراغت خود را خارج از خانه می‌گذرانند نشان می‌دهد که میانگین گروه اول کمتر از میانگین گروه دوم است (۳۴/۸۶ در برابر ۴۳/۷۷). بدین ترتیب در مجموع می‌توان گفت تفریحات بیرون از خانه با استقبال بیشتری از سوی زنان کارمند و استاد در دانشگاه علامه طباطبائی روبرو بوده است.

بیشتر زنان جمعیت آماری در رابطه با میزان پرداختن به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت به میزان متوسطی به این فعالیت‌ها می‌پردازند. مقایسه درصد فراوانی نشان می‌دهد که هیچ یک از زنان شاغل در دانشگاه علامه طباطبائی به میزان زیاد به فعالیت‌های تفریحی نمی‌پردازند.

مطالعه میزان رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت نشان داد که ۶۸/۴ درصد زنان دارای رضامندی متوسط از گذران اوقات فراغت خود هستند. ۲۸/۲ درصد زنان نیز از گذران اوقات فراغت خود کمی رضامنداند و تنها ۳/۴۱ درصد از زنان شاغل متاهل در دانشگاه علامه طباطبائی از گذران اوقات فراغت خود به میزان زیاد رضامنداند.

بررسی روابط میان متغیرها

فرضیه رابطه میزان مشارکت مردان در انجام کار خانگی با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت است. نتایج بکارگیری آزمون آماری اسپیرمن نشان می‌دهد که میان دو متغیر همبستگی به میزان ۰/۱۲ وجود دارد، اما این همبستگی معنی‌دار نمی‌باشد.

جدول ۳- رابطه همبستگی میزان مشارکت مردان در انجام کارخانگی با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

مشارکت مردان در انجام کارخانگی			
N	Sig	C	
۱۱۷	۰/۳۳	۰/۱۲۶	رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

پس فرض تحقیق رد می‌شود. یعنی میان مشارکت مردان در انجام کارخانگی و رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت ارتباطی وجود ندارد.

نتایج حاصل از در ارتباط گذاشتن داشتن فرزندان خردسال با میزان رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت نشان دهنده وجود رابطه معنی دار بین این دو متغیر است. مقدار کی دو در این آزمون ۱/۳۸ است.

جدول شماره ۴- رابطه همبستگی داشتن فرزندان خردسال با رضامندی زنان از

گذران اوقات فراغت

داشتن فرزندان خردسال			
N	Sig	C	
۹۰	۰/۰۴	$K=1/38$	رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

تابع C کندال نیز با مقدار ۰/۱۱ وجود رابطه معنی دار بین دو متغیر را تأیید می‌کند. مقدار فی نیز ۱/۵۷ مبنی بر وجود رابطه است. در نتیجه محقق رابطه معنی داری بین داشتن فرزندان خردسال و میزان رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت را در می‌یابد.

جدول ۵- داشتن فرزندان خردسال و رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

داشتهن فرزندان خردسال							رضامندی
جمع	دارای فرزند خردسال		بدون خردسال				
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد			
۳۱/۱	۲۸	۲۷/۷	۱۰	۳۳/۳	۱۸	کم	
۳۴/۴	۳۱	۳۰/۵	۱۱	۳۷	۲۰	متوسط	
۳۴/۴	۳۱	۴۱/۵	۱۵	۲۹/۶	۱۶	زیاد	
۱۰۰	۹۰	۱۰۰	۳۶	۱۰۰	۵۴	جمع	

جدول تقاطعی نشان می‌دهد که بیشترین زنان جامعه آماری با وجود داشتن فرزندان بزرگسال، فرزند خردسالی ندارند و از رضامندی متوسطی از گذران اوقات فراغت خود برخوردارند. در عین حال کمترین پاسخگویان زنانی هستند که دارای فرزند خردسال بوده و از رضامندی کمی نسبت به گذران اوقات فراغت خود برخوردارند.

پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان با رضامندی آنها از گذران اوقات فراغت در حد قابل قبولی (۰/۳۴) رابطه دارد. علاوه بر آزمون اسپیرمن که وجود رابطه معنی‌دار بین دو متغیر رضامندی و پایگاه اقتصادی اجتماعی را تأیید کرد، برای افزایش توان نمایش رابطه از آزمون کاسکونر و ارائه جدول تقاطعی آن استفاده نموده‌ایم.

جدول ۶- پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان و رضامندی از گذران اوقات فراغت

پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان				
جمع	نسبتا زیاد	نسبتا متوسط	نسبتا پایین	
۳۵	۰	۲۳	۱۲	کم
۴۱	۳	۲۴	۱۴	متوسط
۴۰	۹	۲۸	۳	زیاد
۱۱۶	۱۲	۷۵	۲۹	جمع

$K=17/59$ $V=0/27$ $Sig=0/001$

چنانکه سطح معنی داری بدست آمده نشان می‌دهد کاسکوئر بدست آمده نیز این رابطه را تأیید می‌کند و وی کرامر محاسبه شده شدتی در حدود $0/27$ ارتباط بین دو متغیر را نشان می‌دهد. طبق نتایج بدست آمده، در پایگاه نسبتا بالا هیچ یک از پاسخگویان از رضامندی پایینی برخوردار نبوده‌اند، در حالیکه نما در بین جمعیت مورد بررسی متعلق به زنانی است که به طبقه متوسط تعلق دارند و دارای رضامندی زیادی از گذران اوقات فراغت خود هستند. در بین جامعه آماری ۳ نفر با وجود برخورداری از پایگاه اجتماعی پایین دارای سطح بالای رضامندی از اوقات فراغت خود هستند.

رابطه قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان با رضامندی زنان از گذران فراغت، بعنوان یکی دیگر از فرضیه‌های ما مطرح است. برای بررسی جهت و شدت رابطه از آزمون اسپیرمن استفاده کردیم. نتایج حاصل نشان دهنده عدم وجود رابطه معنی دار است. مقدار ضریب همبستگی Rho اسپیرمن معادل $0/072-$ است. این بدان معنی است که این فرض تحقیق رد شده است.

جدول ۷- رابطه همبستگی قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص گذران اوقات

فراغت همسرانشان با رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان			
N	Sig	C	
۸۹	۰/۵	۰/۰۷۲	رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت

نتیجه‌گیری

در کل می‌توان با صراحت اعلام کرد میان موقعیت زنان در عرصه خصوصی و خانواده با گذران اوقات فراغت آنان ارتباط وجود دارد. در عین حال وجود رابطه میان داشتن فرزندان خردسال و رضامندی زنان از گذران اوقات فراغت اثبات شد که به نظر می‌رسد دلیل آن انرژی بر بودن و وقت‌گیر بودن نگهداری از خردسالان است. بطوری که کمبود وقت و تحلیل انرژی، چنان زنان را در تنگنا قرار می‌دهد که نمی‌توانند به میل و دلخواه خود به انتخاب آزادانه گذران اوقات فراغت بپردازند. به لحاظ زمانی میانگین بیست ساعت در هفته نشان از زمان فراغت اندک دارد. این موضوع بر اندیشه گرین و هارگریوز در رابطه با کم و ناچیز بودن اوقات فراغت زنان منطبق است. هر چند مردان در برخی کارها چون تعمیرات جزئی در خانه، رسیدگی به امور بانکی و خرید مایحتاج و لوازم منزل تا حدی مشارکت دارند، اما در کل مشارکت مردان در انجام کارخانگی کم است، چنانکه یافته‌های ما تداعی کننده اندیشه گرت، هارگریوز، آبوت و والاس، گیدنز، رید، گرین، الستون و بین و مارس مبنی بر زنانه تلقی شدن کار خانگی با وجود عهده داری مسئولیت کار دستمزدی است. همین مشارکت کم و ناچیز مردان در انجام کار خانگی به دلیل تقسیم عادلانه وظایف و کاهش بار مسئولیت زنان اهمیت خود را در افزایش میزان اوقات فراغت زنان نشان داد.

شناخت و ارزیابی عواملی چون قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان بعنوان عامل نامرئی اما با اهمیت به دلیل ماهیت ذهنی و پیچیده شان سخت است. محقق خود بر ناتوانی ابزار پژوهش و مفاهیم در بازسازی ابعاد این مهم معترف است. شاید مصاحبه عمیق راه جایگزین بهتری در رسیدن به تصویری روشن و دقیق از پدرسالاری در خانواده باشد. اما وجود نشانه‌هایی از اعمال نظر شوهران در خصوص گذران اوقات فراغت همسرانشان با همین پرسشنامه مختصر محرز گشت و از این رو بر وجود پدرسالاری در جامعه ایران صحه گذارد. هر چند محقق در اثبات وجود رابطه میان قدرت تصمیم‌گیری مردان در خصوص میزان گذران

اوقات فراغت همسرانشان در درون و بیرون از خانه ناکام ماند، اما چنانکه دیدیم رابطه معکوس این موضوع با میزان پرداختن زنان به برنامه‌های گذران اوقات فراغت مسجل گشت. انطباق یافته‌های پژوهش با اندیشه بین و مارس، ویمبوش، کلارک و کریچر در رابطه با اعمال نظر و کنترل زنان از سوی شوهران گویای این امر است که قدرت تصمیم‌گیری مردان به ویژه در خصوص تصمیم‌گیری همسرانشان درباره محل گذراندن ساعاتی از روز خارج از خانه با دوستان بدون همراهی همسر و مدت زمان آن، همچنین رفتن به میهمانی بدون همراهی همسر نسبت به سایر موارد بررسی شده بالاتر بوده است. بر این اساس یک نتیجه‌گیری منصفانه می‌تواند به این موضوع اشاره کند که اعمال قدرت مردانه خاصیت تحدیدآمیز خود را هم در چارچوب گذران اوقات فراغت زنان در بُعد فضا و مکان و هم در میزان پرداختن آنان به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت نشان می‌دهد.

در مجموع آنچه تا کنون گفتیم بیانگر عواملی است که از مناسبات عرصه خصوصی زندگی زنان سرچشمه می‌گیرد و بعنوان عوامل دارای ماهیت غیر مادی تأثیرات انکارناپذیر خود را بر گذران اوقات فراغت زنان می‌گذارد. از این رو کارمندان و استادان زن متاهل دانشگاه علامه طباطبائی همواره در مواجهه با موضوع اوقات فراغت و برآوردن نیاز به آن دچار دغدغه‌های نامحسوسی هستند.

پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان کارمند و استاد در دانشگاه علامه طباطبائی رابطه خود را با میزان پرداختن به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت آنان به روشنی نشان داد و از این رو درستی نظریات ویمبوش، گرین، گلیپتیس، بلا و گرین در این خصوص را اثبات کرد. پایگاه اقتصادی، اجتماعی به دلیل خاصیت خود در ارائه فرصت‌ها و امکانات مرتبط نه تنها بر دسترسی زنان به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت تأثیر دارد، بلکه با ایجاد یک زمینه اجتماعی اقتصادی معتبر برای فرد چگونگی برخورداری از امکانات گذران فراغت او را تعیین و شانس او را در این رابطه تحت تأثیر قرار می‌دهد. رابطه پایگاه اقتصادی، اجتماعی زنان کارمند و استاد در دانشگاه علامه

طباطبائی با رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت گویای این نکته تکراری اما مهم است که شانس انتخاب آزادانه و دلخواه فراغت و لذت بردن از این انتخاب، با کسی است که از لحاظ مناسبات اجتماعی، اقتصادی برخوردارتر از دیگران باشد. درآمد بعنوان شاه کلید حل معمای چگونه بیشتر به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت پردازیم؟ نقش همیشگی خود را ایفا می‌کند و از این رو صحت نظر نومیر و هازگریوز در خصوص اهمیت این عامل را نشان می‌دهد. درآمد زنان بعنوان عاملی ملموس در گذران اوقات فراغت به ویژه در کشوری چون ایران که زنان از حمایت‌های رسمی در بخش گذران اوقات فراغت و امکانات مربوطه سهم اندکی دارند، علاوه بر تضمین بالابردن فعالیت‌های گذران اوقات فراغت، به آنان اجازه می‌دهد در برگزیدن برنامه‌های گذران اوقات فراغت با دست بازتر عمل کنند و در نتیجه از گذران اوقات فراغت خود رضامند تر باشند.

غیر از تکرار این داستان قدیمی که؛ دارندگی برزندگی است، در مجموع باید گفت زنان کارمند و استاد در دانشگاه علامه طباطبائی به لحاظ داشتن اوقات فراغت در تنگنا هستند و در نتیجه به دلیل اهمیت فراغت که بسیار از آن سخن رانندیم در معرض آسیب‌های جدی جسمی، روانی قرار دارند. معادلات زندگی زن‌شویی، زنان را در شرایط سختی قرار می‌دهد که همواره ناگزیر به انتخاب بهترین و نه درست‌ترین راه هستند. در نتیجه نیاز به فراغت خیلی زود در برابر لزوم برآوردن نیازهای خانواده رنگ می‌بازد. شاید برشمردن اهمیت فراغت و لزوم پرداختن به آن با فرهنگ سازی در سطح جامعه نه تنها مجوزی برای برخورداری زنان از اوقات فراغت باشد بلکه به دلیل اهمیت نقش زنان در خانواده از این طریق سلامت و کارکرد مثبت خانواده را تضمین کند.

بر این اساس پیشنهاداتی در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه ریزی مطرح می‌شود: تخصیص امکانات و اعتبار مالی به حوزه‌های گذران فراغت زنان، انجام شده است، تشویق زنان به ویژه زنان شاغل از طریق برگزاری مسابقات ورزشی سرگرمی در خارج

از ساعات اداری، احداث بخش‌های کوچک مقیاس برای نگهداری کوتاه مدت از کودکان در اماکن تفریحی - ورزشی، فرهنگ سازی از سوی دستگاه‌های فرهنگی به ویژه رسانه‌ای در جهت تاکید بر اهمیت فراغت و ارائه برنامه‌های پیشنهادی ممکن برای زنان، فرهنگ سازی از سوی دستگاه‌های فرهنگی به ویژه رسانه‌ای در جهت نفی تلقی زنانه دانستن کار خانگی و زمینه سازی فرهنگی برای مشارکت همه اعضای خانواده در این امر، فرهنگ سازی در جهت رفع نگاه تبعیض آمیز به زنان در خانواده در راستای تخصیص زمان فراغت و گذران آن در قالب برنامه‌های دلپسند او به تشخیص خودش.

منابع

- ابوت و والاس. (۱۳۸۰). *جامعه شناسی زنان*، منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- برازنده، علیرضا. (۱۳۷۷). *بررسی عوامل مؤثر بر چگونگی گذران اوقات فراغت کارمندان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت امور فرهنگی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- پزشکیان، نسرین. (۱۳۵۵). *بررسی رابطه نحوه گذران اوقات فراغت با بهره‌کاری نوجوانان*، پایان نامه درجه لیسانس، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- حقیقی، شاهرخ. (۱۳۷۹). *گذار از مدرنیته: نیچه، فوکو، لیوتار، دریدا*، تهران: نشر آگاه.
- حکمی، نسرین. (۱۳۶۹). *فرهنگ زبان فارسی امروز*، تهران نشر کلمه.
- رید، ایولین. (۱۳۸۰). *آزادی زنان*، تهران: نشر گل آذین.
- فریدمن، جین. (۱۳۸۱). *فمینیسم، فیروزه مهاجر*، تهران: نشر آشیان.

- کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ: قدرت و هویت*، حسن چاووشیان، تهران: طرح نو.
- کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۸)، *الگوی در تعیین پایگاه اجتماعی، اقتصادی افراد و سنجش تحرک اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی شهر تهران: نامه علوم اجتماعی*، ش ۱۴، پائیز و زمستان ۱۳۷۸.
- قندهاری، پردیس. (۱۳۸۲)، *زن و قدرت*، تهران: پژوهشکده مردم شناسی سازمان میراث فرهنگی.
- کوهستانی، حسینعلی. (۱۳۷۸)، *پژوهشی در اوقات فراغت و راههای بهره‌وری از آن*، مشهد: تیهو.
- گرب، ادوارد. (۱۳۷۳)، *نابرابری اجتماعی: دیدگاههای نظریه پردازان کلاسیک و معاصر*، تهران: نشر معاصر.
- گرت استفان. (۱۳۸۰)، *جامعه شناسی جنسیت*، کتابیون بقایی، تهران: نشر دیگر.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۳)، *جامعه شناسی*، منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- مشیری. (۱۳۶۹)، *فرهنگ زبان فارسی مشیری*، تهران: سروش.
- Bialeschki, D. and Henderson, K. (1986). *Leisure in the Common World of Women*, Leisure Studies, 5(3): 299-308
- Binns, D. and Mars, G. (1984). *Family, Community and Unemployment: A study in change*, Sociological Review, vol. 32, no.4.
- Clarke, J. and Critcher, C. (1985). *The Devil Makes Work: Leisure in Capitalist Britain*, Macmillan: London.
- Deem, R. (1982). *Women, Leisure and Inequality*, Leisure studies, vol.1, pp. 29-46.
- Furlong, A & Cartmel. (1997). *Leisure and Lifestyle in Young People and Social Change*, Open university press: USA.

- Green, (ed.) (1990). *Women's Leisure , What's Leisure?*, Macmillan Press : London.
- Hargreaves, J. (1989). *The promise and Problems of Women's Leisure and Sport* in Chris Rojek , Leisure for Leisure ,Venture publishing :state collage.
- Millet, Kate (1977). *Sexual Politics*, London , Virago.
- Moghadam , Valentine (1993). *Modernizing Women : Gender and Social Change in the Middle East*, USA : Lynne Rinner Publishers.
- Oakley , A. (1976). *House wife_* , London : Penguin.
- Parker , S (1976). *The Sociology of Leisure*, George Allen & Unwin LTD : London.
- Peterson,Spike and Anne Sisson Ranyan (1999). *Global Gender Issues*, Western Press.
- Pollert, A. (1996). *Gender and Class Revisited_*; the Poverty of Patriarchy , Sociology 38(4): 639-59.
- Roberts, K. (1978). *Contemporary Society and The Growth of Leisure*, Longman : London.
- Rojek , C. (1995). *Decentring, Leisure* , Sage : London.
- Stacey, Jackie(1993). *Untangling Feminist Theory*, in Richardson , Diane & Robinson , Victoria. *Introducing women's Studies* , Macmillan Press : London
- Walby , S (1990). *Theorising Patriarchy* , Oxford : Blackwell.
- Wearing, B (1992). *Leisure and Women's Identity in the Late Adolescence* : Constraints and Opportunities, Society and Leisure, 15(1)323-43.
- Wimbush, E.(1986). *Women, Leisure and Well-Being*:Final Report (Edinburgh: Center for Leisure Research , Dunfermline College of Physical Education.